

الاهیات (تئولوژی)

ذخیره مقاله با فرمت پی دی اف

واژه الاهیات به علمی که درباره خدا و درباره شالوده ایمان دینی بحث می‌کند گفته شده است.

فهرست مندرجات

- ۱ - معنای واژه الاهیات
- ۲ - عالمان الاهیات در مقابل عالمان علوم طبیعی
- ۳ - الاهیات مسیحی
 - ۳.۱ - علم الاهیات نزد مسیحیان
 - ۳.۲ - محدوده الاهیات مسیحی
 - ۳.۳ - آموزه‌های اساسی در الاهیات مسیحی
 - ۳.۴ - انواع الاهیات مسیحی
 - ۳.۴.۱ - الاهیات مسیحی از نظر اشمال آن بر تحلیل عقلی
 - ۳.۴.۲ - الاهیات مسیحی از نظر روش شناخت خدا و عقاید دینی
 - ۳.۴.۳ - اقسام الاهیات مسیحی از نظر ادوار تاریخی
 - ۳.۴.۴ - الاهیات مسیحی از نظر موضوع بحث
- ۴ - الاهیات اسلامی
 - ۴.۱ - تقسیم علوم فلسفی به دو بخش فلسفه نظری و فلسفه عملی
 - ۴.۲ - موضوع و مسائل فلسفه اولی
 - ۴.۳ - کاربرد اصطلاح الاهیات در فلسفه اسلامی
 - ۴.۴ - اصطلاح الاهیات در میان متکلمین اسلامی
 - ۴.۴.۱ - قاضی عضدالدین ایجی
 - ۴.۴.۲ - سعدالدین تفتازانی
 - ۴.۴.۳ - کتاب مهم آیه الله سبحانی
 - ۴.۴.۴ - کاربرد عام و خاص اصطلاح الاهیات در میان فلاسفه اسلامی
- ۵ - پانویس
- ۶ - منبع

معنای واژه الاهیات

[ویرایش]

واژه الاهیات به علمی که درباره خدا و درباره شالوده ایمان دینی بحث می‌کند تعریف شده است.^[۱] این کلمه از واژه یونانی theologia مأخوذ است که از دو بخش theo (خدا) و logia (گفتار و نظر) ترکیب شده است. بنابراین (theolog) به معنای اندیشه و گفتار درباره خداست. واضع این واژه را، افلاطون دانسته‌اند، وی این لفظ را درباره شاعرانی به کار برده که خدایان یا تکوین عالم بر اساس وجود خدایان را وصف کرده‌اند.

عالمان الاهیات در مقابل عالمان علوم طبیعی

[ویرایش]

ارسطو، عالمان الاهیات را که تبیین‌های اسطوره‌ای از جهان عرضه می‌کنند، در مقابل فیلسوفان، یا عالمان علوم طبیعی که در جست و جوی تبیین اشیا در درون خود اشیا هستند، قرار می‌دهد، در جایی او فلسفه نظری را به سه بخش: ریاضیات، طبیعت و الاهیات تقسیم می‌کند که بخش اخیر همان فلسفه اولی یا مابعدالطبیعه است.

مقارن پایان قرن دوم قبل از میلاد پانائتیوس رُدایی سه نوع الهیات: اسطوره‌ای، طبیعی یا فلسفی جهان شناختی و مدنی یا سیاسی را از هم جدا ساخت. الاهیات اخیر مربوط به راه و رسم قیصرهاست.

[ویرایش]

در میان مسیحیان، اولین کاربردهای اصطلاح *theology* در مورد معرفت به خدایی که آنان به او باور داشتند، در نوشته‌های اریگن (متوفای ۲۵۴ میلادی) یافت می‌شود. پس از وی، اوسیوس اهل قیصریه (متوفای ۳۳۹ میلادی) میان *theology* به معنای علم تدبیر الهی یا فعل الهی برای نجات بشر که شامل: مسیح، کلیسا، شعائر دینی، و فرجام شناسی است، تفکیک قایل شد. این تفکیک در دوره متقدم آباء کلیسا مورد قبول قرار گرفت. بنابراین الاهیات تنها به بحث درباره خدا می‌پرداخت، و از مسائل دیگر مانند تجسد و فدیة ذیل عنوان «علم تدبیر الهی» بحث می‌شد.

← علم الاهیات نزد مسیحیان

در هر حال، علم الاهیات نزد مسیحیان به تمامی مظاهر تلاش آنان برای فهم ایمان مسیحی اطلاق می‌گردد و زمینه‌هایی از مطالعات دینی را شامل می‌شود که از علم کلام اسلامی گسترده‌تر است.

← محدوده الاهیات مسیحی

از جمله موضوعاتی که در محدوده الاهیات مسیحی می‌گنجد عبارت است از: مطالعه در باب تعالیم کتاب مقدس، تلاش برای فهم حقایق در پرتو تعالیم مسیحی، تاریخی در عبادات بیان کننده ایمان مسیحی در طی قرون، توضیح آنچه تنها با عقل می‌توان درباره خدا دانست بیان معنای قداست مسیحی و راه‌های دست یافتن به آن، بنیادهای اخلاق و تأثیر عملی تعالیم مسیحیت در زندگی مسیحیان.^[۲].....

← آموزه‌های اساسی در الاهیات مسیحی

آموزه‌های اساسی در الاهیات مسیحی عبارتند از: خدا، وحی، آزادی و اختیار، خلقت، سرنوشت، گناه، کفاره، شر، نجات و رستگاری، عیسی مسیح، روح القدس، تثلیث، تجسد عشای ربانی و معادشناسی. این آموزه‌های دینی در الاهیات جدید مسیحی نیز اهمیت دارند و هر متکلمی با هر مشرب کلامی، ناگزیر است پاسخ گوی پرسش‌هایی باشد که درباره آن‌ها مطرح می‌شود. البته در طول تاریخ الاهیات مسیحی با توجه به شرایط حاکم بر جامعه مسیحی برخی از مسائل یاد شده مورد اهتمام بیش تری قرار گرفته است.^[۳].....

← انواع الاهیات مسیحی

الاهیات مسیحی از منظرهای مختلف به گونه‌هایی تقسیم شده است:

← الاهیات مسیحی از نظر اشتمال آن بر تحلیل عقلی

از منظر اشتمال آن بر تحلیل و بررسی عقلی دو گونه دارد:

الف: الاهیات کتاب مقدس: هر یک از نویسندگان عهد جدید دریافت ویژه خود از معنا و مفهوم ایمان مسیحی را عرضه کرده است. آنان تفکر الهی خود را به گونه ای منظم بیان نکرده‌اند. رسالت الاهیات کتاب مقدس این است که اعتقادات دینی موجود در کتاب مقدس را به صورت منظم و بدون شرح و تفسیر خاصی عرضه کند.
ب: الاهیات نظری یا سیستماتیک: این الاهیات عبارت است از کوشش عقلی و فلسفی برای فهم حقایق در پرتو تعالیم مسیحیت که دارای دو گرایش کلی است: یکی گرایش افلاطونی و نوافلاطونی و دیگری، گرایش ارسطویی، آگوستین قدیس (متوفای ۴۳۰ میلادی) نماینده برجسته گرایش افلاطونی و توماس آکویناس (متوفای ۱۲۷۴م) نماینده برجسته گرایش ارسطویی می‌باشند.

← الاهیات مسیحی از نظر روش شناخت خدا و عقاید دینی

از منظر روش شناخت خدا و عقاید دینی به الاهیات عقلی (الاهیات طبیعی) و الاهیات نقلی (الاهیات وحیانی) و الاهیات تجربی تقسیم شده است، در الاهیات عقلی

انسان می‌تواند از طریق تفکر عقلی خدا را بشناسد، اما در الاهیات نقلی راه شناخت خداوند رجوع به کتاب مقدس است، زیرا کتاب مقدس دربردارنده مکاشفه‌هایی است که برای مسیح و حواریین رخ داده است. آکویناس از طرفداران الاهیات عقلی و آگوستین و مصلحین کلیسا از طرفداران الاهیات نقلی‌اند. الاهیات نقلی کاربرد دیگری هم دارد که عبارت است از آن دسته از مسایل اعتقادی که عقل از درک آن‌ها ناتوان است مانند تثلیث و فدیه. مطابق این اصطلاح، طرفداران الاهیات عقلی در اصطلاح اول، این مسائل را جزء الاهیات نقلی می‌دانند.

← اقسام الاهیات مسیحی از نظر ادوار تاریخی

از منظر ادوار تاریخی، الاهیات مسیحی دارای اقسام ذیل است:

الف: الاهیات پدران که مربوط به الاهیات مسیحی از قرن دوم تا پایان قرن پنجم است. در این دوره گروهی از متکلمان بزرگ مسیحی پس از حواریین به تفسیر کتاب مقدس پرداختند، تفسیرهای آنان به عنوان عقاید اصیل مسیحی شناخته شده است. این آثار در مؤسسه‌های الاهیات در جهان مسیحیت تدریس می‌شود. ژوستین (متوفای ۱۶۵م)، ایرند (متوفای ۲۰۰م)، هیپولیت (متوفای ۲۳۶م) و آگوستین (متوفای ۴۳۰م) از پدران کلیسا به شمار می‌روند.
ب: الاهیات قرون وسطا که پس از دوره الاهیات پدران آغاز و تا عصر رنسانس ادامه دارد. (حدود ده قرن).
ج: الاهیات جدید که از رنسانس آغاز شده و تاکنون ادامه دارد.

← الاهیات مسیحی از نظر موضوع بحث

از منظر موضوع بحث نیز الاهیات مسیحی دارای اقسامی است:

الف) الاهیات روحانی (تنسک و تصوف)؛ این رشته از الاهیات برای فهم عمل فیض خدا در زندگی مؤمن مسیحی کوشش می‌کند، هدف زندگی مسیحی به عنوان اتحاد در محبت بین مؤمن و خدا، مراحل کمال در مسیحیت، شیوه‌های دعا، تأملات و مشاهدات روحی، مشکلات و خطاهایی که مؤمن در راه تهذیب نفس با آن‌ها برخورد می‌کند از جمله سرفصل‌های مورد بحث در این الاهیات است.
ب) الاهیات اخلاقی (ادبی) : به بحث درباره آن قسمت از تعالیم مسیحی که به دستورهای اخلاقی مربوط می‌شود، می‌پردازد. در این رشته، تعالیم کتاب مقدس پیرامون اخلاق مطالعه می‌شود، بر این اساس، الاهیات ادبی به تعیین بنیادهایی می‌پردازد که مسیحیان باید زندگی اخلاقی خویش را بر آن استوار کنند.
ج) الاهیات شبانی: در صدد یافتن بهترین شیوه‌ها برای اجرای رسالت مسیحی است تا از این راه بتواند جامعه‌های مسیحی واقعی به وجود آورد، تربیت مسیحی تعلیم دینی، اعلام رسالت مسیحی، راهنمایی مسیحیانی که گرفتار مشکلات شده و نیاز به راهنمایی دارند، شیوه‌های بنیان گذاری جوامع مسیحی، مظاهر جامعه شناختی و انسان شناختی در زندگی مسیحی از مسائل مورد بحث در این الاهیات می‌باشد.
د: الاهیات ادیان که رابطه مسیحیت با سایر ادیان را بررسی می‌کند.
ه: الاهیات آزادیبخش: این رشته تعهد مسیحیان را در مسیر تاریخ در زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بررسی می‌کند.
و: الاهیات پذیرش فرهنگ‌ها: این رشته از الهیات، رابطه بین رسالت مسیحی و فرهنگ را بررسی می‌کند، مسیحیان مانند هر قوم دیگر، عادت داشته‌اند که بین دین و فرهنگ خود که فرهنگ اروپایی است رابطه برقرار کنند. برخورد رسالت مسیحی با هر فرهنگی به‌طور ویژه، مسائل زیربنایی و روبنایی دین مسیحی، رابطه میان کلیسای بومی (ملی) و کل جامعه مسیحی از جمله مسائل مورد بحث در این رشته از الاهیات است. [۴] [۵]

الاهیات اسلامی

[ویرایش]

واژه الاهیات در فرهنگ و تفکر مسلمانان نام علمی است که درباره چیزهایی بحث می‌کند که در هویت خارجی و تصویر ذهنی به ماده نیاز ندارند، و آن را «علم ربوبی» و «علم الهی» و نیز «الهیات» می‌نامند. مطابق دیدگاه مشهور این واژه در اصل از کلمه تئولوژیا (theologia در زبان یونانی گرفته شده و در قالب عربی «اثولوجیا» به کار رفته است، واژه اثولوجیا در آغاز نام کتاب و از ارسطو دانسته می‌شد، و در دوران متأخر، تحت عنوان یک علم به نام «علم ربوبی» یا «معرفة الربوبية» یا «الهیات» به جای عنوان یک کتاب به کار برده شد.

← تقسیم علوم فلسفی به دو بخش فلسفه نظری و فلسفه عملی

علوم فلسفی به دو بخش فلسفه نظری و فلسفه عملی تقسیم شده است. فلسفه نظری درباره چیزهایی بحث می‌کند که واقعیت آن‌ها در اختیار انسان نیست، و فلسفه عملی درباره چیزهایی بحث می‌کند که واقعیت آن‌ها در اختیار انسان است. طبیعیات، ریاضیات و الاهیات اقسام کلی فلسفه نظری، و اخلاق، سیاست مدن و تدبیر منزل شاخه‌های کلی فلسفه عملی می‌باشند، الاهیات درباره اموری بحث می‌کنند که در تحقق خارجی و در تعریف ذهنی نیازمند ماده نیستند و ریاضیات درباره اموری بحث می‌کند که در تعریف ذهنی به ماده نیاز ندارند، ولی در تحقق خارجی نیازمند ماده‌اند و طبیعیات درباره اموری بحث می‌کند که هم در تعریف ذهنی و هم در تحقق خارجی نیازمند ماده‌اند.

بنابراین علم الهی یا الاهیات مرادف فلسفه اولی، علم اعلی، علم کلی و حکمت مابعدالطبیعه است، وجه نامیده شدن فلسفه اولی به علم الهی یا الاهیات این است که در این علم درباره ذات و صفات خداوند بحث می‌شود.

← موضوع و مسائل فلسفه اولی

موضوع فلسفه اولی موجود بماهو موجود است. و مسائل آن ذیل سه عنوان کلی قرار می‌گیرد:

۱. اسباب نهایی و غیر مادی موجودات که در رأس آن‌ها وجود خداوند متعال است.
 ۲. عوارض موجود بماهو موجود مانند علیت و معلولیت، حدوث و قدم، وجوب و امکان، وحدت و کثرت و....
 ۳. مبادی و موضوعات علوم دیگر، زیرا موضوعات علوم دیگر به منزله اعراض ذاتی موجود بما هو موجود می‌باشند. [۶][۷][۸][۹][۱۰][۱۱]
- برخی، اصطلاح علم الهی (الهیات) را به بحث درباره اموری اختصاص داده‌اند که نه تنها در تحقق خارجی و تعریف ذهنی نیازمند ماده نیست، بلکه اصولاً منزله و مجرد از ماده‌اند مانند وجود خداوند و وجود عقول مفارقه، و اصطلاح فلسفه اولی را مخصوص بحث درباره اموری دانسته‌اند که اگر چه در تحقق خود به ماده نیاز ندارند، ولی بر موجودات مادی نیز منطبق می‌شوند مانند وحدت و کثرت و دیگر مفاهیم عامه فلسفی. [۱۲].....

← کاربرد اصطلاح الاهیات در فلسفه اسلامی

در دوره‌های متأخر اصطلاح الاهیات در فلسفه اسلامی دو کاربرد متمایز پیدا کرده است: یکی الاهیات بالمعنی الاعم، و دیگری الاهیات بالمعنی الاخص، کاربرد نخست مربوط به امور عامه فلسفه است. کلیات احکام وجود، مباحث مربوط به علت و معلول، واجب و ممکن، واحد و کثیر، قوه و فعل، قدم و حدوث و... مسائل الاهیات بالمعنی الاعم است، و مباحث مربوط به ذات، صفات و افعال الهی (مبدأ و معاد) به الاهیات بالمعنی الاخص اختصاص دارد. این تفکیک به صورت روشن تا قبل از حکیم سبزواری به چشم نمی‌خورد. در کلام صدرالمتألهین به آن‌ها اشاره شده است. اما حاجی در توضیح آن گفته است: علم اعلی همان گونه که فلسفه اولی و حکمت ماقبل‌الطبیعه و حکمت مابعدالطبیعه نامیده می‌شود، علم الهی بالمعنی الاعم نیز نامیده می‌شود، وجه نامیده شدن آن به نخستین نام این است که موضوعش که وجود مطلق است بر همه امور تقدم دارد، زیرا وجود حقیقی بر ماهیت تقدم حقیقی و احقّی دارد، ووجه نامیده شدن آن به دومین نام این است که علم اعلی بر موجود طبیعی تقدم بالطبع دارد، ووجه نامیده شدنش به نام سوم این است که علم اعلی بر طبیعیات تأخر بالوضع دارد، یعنی در آثار ارسطو (مقام تعلیم و تعلم پس از طبیعیات قرار داده شده است، و وجه نامیده شدنش به «الاهیات بالمعنی الاعم» این است که موضوعش وجود مطلق و غیر مقید به خصوصیتی است بر خلاف الاهیات بالمعنی الاخص که موضوع آن موجود مقید به وجوب ذاتی (واجب الوجود بالذات) است. [۱۳].....

← اصطلاح الهیات در میان متکلمین اسلامی

اصطلاح «الهیات» یا علم الهی در میان متکلمین اسلامی نیز به کار رفته است. اگر چه اصطلاح مشهور میان آنان علم کلام یا علم اصول دین است، ولی اصطلاح «الهیات» نیز بر کل مباحث کلامی یا مباحث مربوط به خداشناسی کاربرد داشته است. فخرالدین رازی نام مفصل‌ترین اثر کلامی خود را «المطالب العالیة فی العلم الإلهی» گذاشته و در توضیح آن گفته است: این علمی است که نزد یونانیان «اثولوجیا» نام دارد. سپس افزوده است در این علم درباره ذات خداوند و صفات او بحث می‌شود [۱۴][۱۵] وی رکن سوم کتاب «المحصّل» خود را نیز به الاهیات اختصاص داده که درباره ذات، صفات، افعال و اسماء خداوند بحث می‌کند. [۱۶].....

← قاضی عضالدین ایجی

قاضی عضالدین ایجی موقف پنجم کتاب المواقف را به الاهیات اختصاص داده و گفته است: الاهیات عالی ترین مقصد در این علم است. [۱۷].....

← سعدالدین تفتازانی

سعدالدین تفتازانی مقصد سوم کتاب شرح مقاصد خود را به بحث درباره الاهیات اختصاص داده و در آن درباره ذات، صفات، افعال و اسماء الهی بحث کرده است. [۱۸].....

← کتاب مهم آیه الله سبحانی

در میان متکلمان پیشین شیعه این اصطلاح مرسوم نبوده است، ولی از معاصران، آیه الله سبحانی کتاب مهم و معروف کلامی خود را «الاهیات علی هدی الکتاب والسنة والعقل» نام نهاده است که تلخیص آن با نام «محاضرات فی الالهیات» متن درسی در حوزه‌های علمیه می‌باشد. اصطلاح «الهیات» از نظر آیه الله سبحانی همه مباحث کلامی از مبدأ تا معاد را شامل است، و از این جهت، با اصطلاح «العلم الإلهی» فخرالدین رازی که کتاب «المطالب العالیه» او درباره آن نگارش یافته، برابر است. از سوی دیگر «الهیات» در این کاربرد گسترده، از «الاهیات بالمعنی الاخص» در اصطلاح فلاسفه نیز گسترده تر است، زیرا فلاسفه درباره امامت به گونه‌ای که در علم کلام مطرح است بحث نکرده‌اند.

← کاربرد عام و خاص اصطلاح الاهیات در میان فلاسفه اسلامی

حاصل آن که اصطلاح الاهیات در میان فلاسفه اسلامی دو کاربرد عام و خاص دارد: کاربرد عام آن به مباحث عمومی فلسفه می‌پردازد، و کاربرد خاص آن به مباحث مربوط به خدانشناسی و احیاناً مسائلی مربوط به مبدأ و معاد اختصاص دارد. این اصطلاح در میان متکلمان اسلامی نیز دارای دو کاربرد عام و خاص است، کاربرد عام آن همه مباحث مربوط به خدانشناسی و دیگر اصول اعتقادی اسلام (نبوت، امامت و معاد) را شامل می‌شود، و کاربرد خاص آن به مسائل مربوط به خدانشناسی (ذات، صفات افعال و اسماء خداوند) اختصاص دارد.

در هر حال، دایره مباحث الاهیات در فلسفه و کلام اسلامی، حتی در کاربرد گسترده آن، محدودتر از اصطلاح الاهیات در الاهیات مسیحی است، زیرا در الاهیات مسیحی مباحثی که صبغه اخلاقی و حقوقی دارد نیز مطرح است.

منابع

• الاسفار الأربعة، شیرازی، صدرالدین، محمد بن ابراهیم، ۱۱۵هـ، انتشارات مصطفوی، قم.

• تلخیص المحصل، طوسی، محمد بن حسن، ۶۷۲هـ، دارالأضواء، بیروت، ۱۴۰۵ق.

• شرح المقاصد، تفتازانی، سعدالدین، منشورات، الشریف الرضی، قم.

• شرح المنظومه، سبزواری، ملاهادی، ۱۲۸۹هـ، انتشارات علمیه اسلامی، تهران.

• شرح المواقف، جرجانی، میرسید شریف، منشورات الشریف الرضی، قم، ۱۴۱۲ق.

• الشفاء، ابن سینا، حسین بن عبدالله، ۴۲۸هـ، الاب ضواتی، سعید زاید.

• فرهنگ انگلیسی آکسفورد، انتشارات شعاع.

• فلسفه و ایمان مسیحی، براون، کالین، ترجمه طاطه وس میکائلیان، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵ش.

• کشف الظنون، حاجی خلیفه، ملامصطفی، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۰ق.

• کلام مسیحی، میشل، توماس، مترجم حسین توفیقی، مرکز مطالعات ادیان و مذاهب، قم، ۱۳۷۷ش مابعدالطبیعه، ارسطو، مترجم دکتر شرف الدین خراسانی،

انتشارات حکمت، تهران، ۱۳۷۷ش

• المطالب العالیه، رازی، فخرالدین، ۶۰۶هـ، دارالکتاب العربی، بیروت، ۱۴۰۷ق

پانویس

[ویرایش]

۱. ↑ فرهنگ انگلیسی آکسفورد، انتشارات شعاع.

۲. ↑ کلام مسیحی، میشل، ج، ۱، ص ۱۱۵، توماس، مترجم حسین توفیقی، مرکز مطالعات ادیان و مذاهب، قم، ۱۳۷۷ش.

۳. ↑ کلام مسیحی، میشل، ج، ۱، ص ۶۰. ۹۷، توماس، مترجم حسین توفیقی، مرکز مطالعات ادیان و مذاهب، قم، ۱۳۷۷ش.

۴. ↑ کلام مسیحی، میشل، ج، ۱، ص ۱۱۵. ۱۳۰، توماس، مترجم حسین توفیقی، مرکز مطالعات ادیان و مذاهب، قم، ۱۳۷۷ش.

۵. ↑ فلسفه و ایمان مسیحی، براون، ج، ۱، ص ۲۴، کالین، ترجمه طاطه وس میکائلیان، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵ش.

۶. ↑ الشفاء، ابن سینا، ج، ۱، ص ۳. ۴، حسین بن عبدالله، ۴۲۸هـ، الاب ضواتی، سعید زاید.

۷. ↑ الشفاء، ابن سینا، ج، ۱، ص ۱۳، حسین بن عبدالله، ۴۲۸هـ، الاب ضواتی، سعید زاید.

۸. ↑ الشفاء، ابن سینا، ج، ۱، ص ۱۵۲، حسین بن عبدالله، ۴۲۸هـ، الاب ضواتی، سعید زاید.

۹. ↑ الاسفار الأربعة، شیرازی، ج، ۱، ص ۲۴. ۲۵، صدرالدین، محمد بن ابراهیم، ۱۱۵هـ، انتشارات مصطفوی، قم.

۱۰. ↑ الاسفار الأربعة، شیرازی، ج، ۱، ص ۳، صدرالدین، محمد بن ابراهیم، ۱۱۵هـ، انتشارات مصطفوی، قم.

۱۱. ↑ کشف الظنون، حاجی خلیفه، ج، ۱، ص ۱۵۹. ۱۶۰، ملامصطفی، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۰ق.

۱۲. ↑ کشف الظنون، حاجی خلیفه، ج، ۱، ص ۶۷۶. ۶۷۷، ملامصطفی، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۰ق.

۱۳. ↑ حاشیه، شرح المنظومه، ج، ۱، ص ۱۴۰، سبزواری، ملاهادی، ۱۲۸۹هـ، انتشارات علمیه اسلامی، تهران.

۱۴. ↑ المطالب العالیه، رازی، فخرالدین، ج، ۱، ص ۳۵. ۶۰۶هـ، دارالکتاب العربی، بیروت، ۱۴۰۷ق

۱۵. ↑ المطالب العالیه، رازی، فخرالدین، ج، ۱، ص ۳۷. ۶۰۶هـ، دارالکتاب العربی، بیروت، ۱۴۰۷ق

۱۶. ↑ تلخیص المحصل، طوسی، ج، ۱، ص ۲۴۱، محمد بن حسن، ۶۷۲هـ، دارالأضواء، بیروت، ۱۴۰۵ق.

۱۷. ↑ شرح المواقف، جرجانی، ج، ۱، ص ۲، میرسید شریف، منشورات الشریف الرضی، قم، ۱۴۱۲ق.

۱۸. ۱ شرح المقاصد، تفتازانی، ج ۴، ص ۱۱، سعدالدین، منشورات، الشریف الرضی، قم.

منبع

[ویرایش]

دانشنامه کلام اسلامی، مؤسسه امام صادق علیه السلام، برگرفته از مقاله «الاهیات (تئولوژی)»، شماره ۶۴.

رده‌های این صفحه : خدا شناسی | کلام

- سیاست و ضوابط: تلاش ویکی‌فقه تدوین دانشنامه‌ایی در حوزه علوم اسلامی است. یکی از سیاست‌های اصلی آن رعایت احترام به صاحبان نظریه است. اتقان و مستند بودن مطالب یکی دیگر از سیاست‌هاست که در نگارش مطالب باید رعایت شود. تدوین مطالب توسط طلاب قم، مشهد، نجف و سایر حوزه‌های علمیه با رعایت اتقان و استناد، انجام می‌شود.

الهیات

از ویکی‌پدیا، دانشنامهٔ آزاد

الهیات یا **خداشناسی** یا **یزدان‌شناسی** ادای برهان دربارهٔ خدا است. این عنوان می‌تواند به خوانش دیگر موضوعات دینی نیز اشاره کند. همچنین الهیات مطالعه انتقادی مفاهیم دربارهٔ خدا و ماهیت ایده‌های دینی است. الهیات به عنوان یک رشته مضبوط دانشگاهی در دانشگاه‌ها، سمینارها و مدارس دینی تعلیم داده می‌شود.^[۱]

آگوستین قدیس معادل واژه لاتین الهیات را چنین تعریف می‌کند: «استدلال و بحث دربارهٔ خدا».^[۲] ریچارد هوکر الهیدان انگلیسی الهیات را به عنوان «علم امور الهی» تعریف کرده‌است.^[۳] این واژه می‌تواند در عین حال به طیف گوناگونی از رشته‌ها و حوزه‌های مطالعاتی اطلاق شود.^[۴] الهیدانان صورت‌های گوناگونی از استدلال‌ها و و تحلیل‌های مختلف فلسفی، کلامی، تاریخی و تجربی را به کار می‌برند تا از شمار زیاد موضوعات دینی دفاع کنند، یا از آن‌ها انتقاد کنند یا آن‌ها را بفهمند و تبیین کنند. الهیات می‌تواند الهیدانان را به صورت‌های زیر کمک کند:

- فهمیدن درست‌تر سنت‌های دینی شان،^[۵]
- فهمیدن درست‌تر سنت‌های دینی دیگر^[۶]
- مقایسه کردن میان سنت‌های دینی^[۷]
- دفاع یا توجیه از یک سنت دینی
- تسهیل اصلاح کردن یک سنت خاص^[۸]
- کمک به تبلیغ یک سنت دینی^[۹]
- توجه به منابع یک سنت برای مخاطب قرار دادن برخی وضعیت‌ها و نیازهای حاضر^[۱۰]
- توجه به منابع یک سنت برای جستجوی راه‌های ممکن تفسیر جهان^[۱۱]
- کاوش ماهیت الهی بدون ارجاع به سنتی خاص
- چالش یا مخالفت یا یک سنت دینی یا یک جهان‌نگری دینی

محتویات

تاریخ الهیات

الهیات در یونان

پیشینه

واژه‌شناسی

الهیات در مسیحیت

خدا در الهیات مسیحی

تثلیث

نجات‌شناسی رستگاری‌شناسی

مطالعات کتاب مقدس

آخرت‌شناسی _ فرجام‌شناسی

الهیات در اسلام

موضوع و مباحث الهیات اسلامی

سیر تاریخی علم الهیات اسلامی

الهیات به مثابه یک رشته مضبوط دانشگاهی

جستارهای وابسته

منابع

پیوند به بیرون

تاریخ الهیات

الهیات در یونان

پیشینه الهیات در یونان به دوران قبل از سقراط برمی‌گردد. در زمان پارمنیدس که او را پدر متافیزیک می‌نامند الهیات و متافیزیک در هم ادغام شده بود و بحث متافیزیک پارمنیدس با الهام از عالم غیب بود. افلاطون و ارسطو به ترتیب با مینا قراردادان ایده و واقعیت و نیز با جدا کردن مباحث عالم غیب از متافیزیک الهیات یونانی را از متافیزیک به‌طور جزیی جدا کردند، اما مفاهیم استعلایی هنوز در متافیزیک افلاطون وجود داشت. در قرن‌های بعد با بحث صرف درباره وجود در معنای کلی آن متافیزیک به‌طور کامل از الهیات جدا شد.

واژه‌شناسی

تئولوژی در انگلیسی از واژه یونانی تئولوژی (θεολογία) مشتق شده‌است. خود واژه تئولوژی از تئوس (Θεός)، به معنای خدا و لوزیا (-λογία)، به معنای گفته‌ها و حکمت‌ها و اندرزها بکار می‌رفته‌است. لوزیا با واژه لوگوس مرتبط است که به معنای واژه، گفتار یا استدلال است. این واژه پس از آن به لاتین به صورت تئولوژی (theologia) و وارد زبان فرانسه به صورت تئولوژی (théologie) می‌شود.^[۱۳] معنایی که این واژه در انگلیسی دارد بخش اعظمی از آن معنا مربوط به معادل‌های لاتین و یونانی است که در کاربردهای مسیحی پدرشناسی یا پدرشناسی (پاتریولوژی) و تاریخ الهیات مسیحی بکار رفته‌است. به نظر می‌رسد اولین کسی که واژه الهیات را بکار برده، افلاطون در رساله جمهوریت است که واژه میتولوژی (θεολογία) را در دهان سقراط گذاشته‌است.^[۱۴] ارسطو فلسفه نظریه را به سه بخش ریاضیات، طبیعیات یا فیزیک و الهیات تقسیم کرد. نزد ارسطو، الهیات مطابق با متافیزیک بود که در مورد گفتار در باب الوهیت بود.^[۱۵] منابع رواقی همچون مارکوس وارو بیان می‌کنند که می‌تواند سه نوع گفتار و بحث در باب امر الهی را از هم متمایز کرد: میتولوژی که در ارتباط با اسطوره‌ها و خدایان یونان بوده‌است، عقلانی که مربوط به تحلیل فلسفی خدایان و جهان‌شناسی است، و مدنی که در باب آداب و رسوم دینی عام است.^[۱۶]

الهیات در مسیحیت

الهیات، به معنی خداشناسی است که مبین تعریف، توصیف و شناخت خدا در یک دین است. در الهیات مسیحی، بحث محدود به وجود خدا نمی‌ماند بلکه موضوعات دیگری نیز مورد مطالعه و تحقیق قرار می‌گیرند. موضوعات عمده الهیات مسیحی عبارت‌اند از: خداشناسی، مسیح‌شناسی، تثلیث، نجات‌شناسی، کتاب مقدس و آخرت‌شناسی.

مسیحیت در اوایل ظهور طی چهار قرن، دین یکه‌تاز میدان نبود و می‌بایست با اندیشه‌های فلسفی و عقاید دینی سراسر امپراتوری روم، مصر و فارس مبارزه کند. در جریان این کشمکش‌ها الهیات مسیحی بنا شده، رشد کرد و شکل گرفت. بعد از قرن شانزدهم نیز دستخوش اندیشه‌های دوران روشنگری (Enlightenment) و آزاداندیشی بوده و به همین دلیل است که تأثیر الهیات مسیحی به‌صورت گسترده بر جوامع شرق و غرب مشهود است. آزادی بیان و فکر در دنیای امروز غرب امکان این را فراهم آورده تا هر فرقه و حتی هر کلیسا، الهیات مختص و منحصر به‌خود را شکل دهد. به همین دلیل ناممکن است که تعریف واحد از الهیات مسیحی ارائه داده شود که بتواند تمام دیدگاه‌های موجود فرقه‌ها و کلیساها را دربرگیرد؛ ولی، این به معنای اختلاف و تضاد کلی میان این دیدگاه‌ها نیست. همه کلیساها در موضوعات عمده دین مسیحیت باهم هم‌نظراند. آن چه الهیات کلیساها را از هم جدا می‌سازد، اختلاف‌ها بنیادی نیست، بلکه تفاوت‌های فرعی است.

مناسب است الهیات مسیحی را از دو جنبه به‌طور فشرده مورد بررسی قرار دهیم؛ یعنی از دیدگاه الهیات محافظه کار و الهیات لیبرال یا آزاداندیش.

موضوعات مورد بررسی ما این‌ها اند:

خدا در الهیات مسیحی

خدا در الهیات مسیحی صرفاً یک قدرت نامحدود نیست بلکه خدا دارای شخصیت است. خدا در ماهیت اش دارای صفات ذاتی و اخلاقی است. بحث ماهیت خدا وحدانیت را نیز دربر می‌گیرد. وحدانیت خدا در الهیات مسیحی به این معناست که فقط و فقط یک خدا وجود دارد. یک موجود الهی که شایسته پرستش و عبادت است. خدا آفریدگار و معمار تمام کاینات و خلقت است. تمام خلقت، در نهایت، تحت فرمان و اراده‌ای او می‌باشد. خدا حکمفرمای مطلق در خلقت است که هیچ نیازی ندارد.

تثلیث

تثلیث یکی از اعتقادات بنیادین مسیحیت است که بر اساس آن خدای یگانه در سه شخص خدای پدر، خدای پسر (که در عیسی مسیح تجسم پیدا کرد) و خدای روح‌القدس می‌باشند. این سه ذات یکسانی داشته ولی از هم متمایز می‌باشند.

نجات‌شناسی رستگاری‌شناسی

رستگاری‌شناسی از رشته‌های فرعی در دین‌شناسی است. رستگاری‌شناسی مبحثی است که به بررسی مسئله نجات و رستگاری نهایی بشر در ادیان گوناگون می‌پردازد. بحث‌هایی چون امکان رستگاری در ادیان، چگونگی رستگاری، رابطه شریعت و رستگاری و همچنین چستی رستگاری در ادیان مختلف زیر این عنوان قرار می‌گیرند. اما منظور از آن در اینجا بررسی چگونگی نجات با دست‌آویزی به تعالیم مسیحیت است.

آخرت‌شناسی _ فرجام‌شناسی

الهیات محافظه کار، الهیات رسمی تقریباً همه فرقه هاست (ارتودکس، کاتولیک، پروتستان و فرقه‌های غیروابسته). محافظه کاران، چه معنوی باشند یا مدرن، الهیات و تعلیم پدران کلیسا را حفظ می‌کنند. الهیات لیبرال آنگونه که از نامش پیداست، بیانگر دیدگاه‌های آزاد کلیساها و افرادیست که الهیات رسمی مسیحی را نمی‌پذیرند. آن‌ها طرفدار مکتب اصالت عمل پراگماتیسم هستند که ادعا دارد ایمان باید در چوکات جهان ایده و ایدئالیسم مطالعه شود که در جهان ایده هیچ چیزی ثابت و قطعی نیست بلکه نسبی. همچنان ایمان باید در محدوده فریضه‌های معقول و استدلال منطقی باقی ماند.

الهیات در اسلام

الهیات یعنی آنچه مربوط به اله باشد و علم الهی یکی از اقسام حکمت می‌باشد چون حکمت شامل ریاضیات، طبیعی، و علم الهی می‌شود. علم الهی یعنی علم خداشناسی و خداشناسی در اسلام به معنی شناخت الله و مقربان اوست (لغت‌نامه دهخدا؛ واژه اله). علم الهیات به معنای مصطلح و مفهوم عرف فلسفه و کلام، مباحثی است مربوط به شناخت خدا و اثبات وجود او و صفات جلال و جمال او، از صفات ثبوتیه و سلبیه و صفات ذات و فعل.

موضوع و مباحث الهیات اسلامی

مباحث و مسائل علم الهی یکی از متون حکمت است، حکمت الهی به معنی اعم حکمت مابعدالطبیعه است. علم اعلی شامل عقل و آثار آن در عالم جسمانی و روحانی، واجب الوجود، وحدانیت و نعوت جلال و فضل و عنایت او، ماوراءالطبیعه می‌گردد و می‌توان گفت در الهیات از اثبات خدا و ادله‌ای که بر وجود او اقامه شده‌است و نیز صفات کمالیه او و افعال تکوینی و تشریحی او که بر حسب حکمت و لطف، صدور آن از او به اراده و اختیار واجب است، بحث می‌کنیم؛ و همچنین از سنتهای الهی در عالم خلقت و تکوین و عالم تشریح و تکلیف و نتایج و غایات افعال الهی و از افعالی که از او صادر نمی‌شود و عنایات عامه و خاصه او نسبت به بندگان بحث می‌کنیم. در این مفهوم تمام مباحث توحیدی، نبوت و شرایع و فلسفه تشریح و معاد و هر چه از جنود غیبی و ظاهری اوست، یعنی تمام علوم اسلامی وارد می‌شود.

سیر تاریخی علم الهیات اسلامی

الهیات در اسلام از ابتدای حیات دین اسلام آغاز شده‌است. ابن ابی‌الحدید که از دانشمندان اهل سنت می‌باشد می‌نویسد: حکمت و بحث در امور الهی فن احدی از عرب نبود و در کوچک و بزرگ آن‌ها سابقه نداشت و نخستین کس از عرب که در این علوم خوض کرد علی بود که مباحث دقیق توحید و عدل در سخنانش پراکنده‌است.^[۱۷] در فلسفه، علم الهیات به دو قسمت تقسیم می‌شود: الهیات به معنی اعم و الهیات به معنی اخص.

الهیات به معنی‌الاعم امور عامه فلسفه است یعنی وجود و احوال وجود، و الهیات بمعنی‌الاخص مربوط به مفاهیم متافیزیکی در مورد خدا.

الهیات به مثابه یک رشته مضبوط دانشگاهی

تاریخ مطالعه الهیات در موسسات آموزش عالی به قدمت خود این موسسات است. برای نمونه تاکسیلا، مکان اولیه برای آموزش ودایی بوده‌است و احتمالاً به قرن ششم قبل از میلاد یا قبل تر بازمی‌گردد.^[۱۸] آکادمی افلاطون که در آتن در قرن چهارم قبل از میلاد بنا نهاده شد، به نظر می‌رسد شامل موضوعاتی در زمینه الهیات بوده‌است.^[۱۹] تاپسوه یا آکادمی سلطنتی آموزش در چین تعالیم کنفوسیوس را در قرن دوم قبل از میلاد تعلیم می‌داده است.^[۲۰] مدرسه نصیبین مرکز یادگیری مسیحی از قرن چهارم پس از میلاد بود.^[۲۱] نالاندادر هند مکانی برای آموزش‌های عالی بودایی در قرون ۵ و ۶ پس از میلاد بوده‌است.^[۲۲] دانشگاه قرویین در مراکش،^[۲۳] و دانشگاه الازهر مصر مرکز یادگیری اسلامی در قرن یازدهم بوده‌اند.^[۲۴] دانشگاه‌های مدرن غربی از نهادها و مدارس رهبانیت و علی‌الخصوص مدارس کلیسای اروپای غربی در دوره قرون وسطای عالییه است.

جستارهای وابسته

- الهیات و حیانی
- الهیات طبیعی
- تاریخ الهیات مسیحی
- الهیات عملی

منابع

12. The accusative plural of the neuter noun λόγιον; cf. Walter Bauer, William F. Arndt, F. Wilbur Gingrich, Frederick W. Danker, *A Greek-English Lexicon of the New Testament*, 2nd ed. , (Chicago and London: University of Chicago Press, 1979), 476. For examples of λόγια in the New Testament, cf. Acts 7:38; Romans 3:2; 1 Peter 4:11
13. Langland, Piers Plowman A ix 136
14. *Dictionnaire critique de la théologie*, sv «théologie» , (p. 1140-1 (J. -Y. Lacoste
15. Aristotle, *Metaphysics*, Book Epsilon. ([http://etext.library.adelaide.edu.au/mirror/classics.mit.edu/Aristotle/metaphysics/6.vi.html](http://etext.library.adelaide.edu.au/mirror/classics.mit.edu/Aristotle/https://web.archive.org/web/20140807010251/http://etext.library.adelaide.edu.au/mirror/classics.mit.edu/Aristotle/metaphysics/6.vi.html)) با یگانی شده (cs.6.vi.html در ۷ اوت ۲۰۱۴ توسط Wayback Machine
16. As cited by Augustine, *City of God*, Book 6 (<http://www.newadvent.org/fathers/120106.htm>), ch.5
17. [نهج البلاغه]] ابن ابی الحدید؛ ج ۱۳؛ شرح خطبه ۲۳۱؛ ص ۴۸
18. Timothy Reagan, *Non-Western Educational Traditions: Alternative Approaches to Educational Thought and Practice*, 3rd edition (Lawrence Erlbaum: 2004), p.185 and Sunna Chitnis, 'Higher Education' in Veena Das (ed), *The Oxford India Companion to Sociology and Social Anthropology* (New Delhi: Oxford University Press, 2003), pp. 1032–1056: p.1036 suggest an early date; a more cautious appraisal is given in Hartmut Scharfe, *Education in Ancient India* (Leiden: Brill, 2002), pp. 140–142
19. John Dillon, *The Heirs of Plato: A Study in the Old Academy, 347–274BC* (Oxford: OUP, 2003
20. Xinzhong Yao, *An Introduction to Confucianism* . (Cambridge: CUP, 2000), p.50
21. Adam H. Becker, *The Fear of God and the Beginning of Wisdom: The School of Nisibis and the Development of Scholastic Culture in Late Antique Mesopotamia* (University of Pennsylvania Press, 2006); see also The School of Nisibis (http://www.nestorian.org/the_school_of_nisibis.html) با یگانی شده (https://web.archive.org/web/20160303231841/http://www.nestorian.org/the_school_of_nisibis.html) در ۳ مارس ۲۰۱۶ توسط Wayback Machine at Nestorian.org
22. Hartmut Scharfe, *Education in Ancient India* (Leiden: Brill, 2002), p.149
23. The Al-Qarawiyyin mosque was founded in 859 AD, but 'While instruction at the mosque must have begun almost from the beginning, it is only ... by the end of the tenth-century that its reputation as a center of learning in both religious and secular sciences ... must have begun to wax.' Y. G-M. Lulat, *A History of African Higher Education from Antiquity to the Present: A Critical Synthesis* (Greenwood, 2005), p.71
1. "theology" (<http://wordnetweb.princeton.edu/perl/webwn?o2=&o0=1&o7=&o5=&o1=1&o6=&o4=&o3=&s=theology&h=000&j=0#c>). Wordnetweb.princeton.edu. Retrieved 2012-11-11
2. *City of God* Book VIII. i. (<http://logicmuseum.googlepages.com/civitate-8.htm>) "de divinitate rationem sive sermonem" با یگانی شده (<https://web.archive.org/web/20080404123631/http://logicmuseum.googlepages.com/civitate-8.htm>) در ۴ آوریل ۲۰۰۸ توسط Wayback Machine
3. "Of the Laws of Ecclesiastical Polity", 3.8.11" (<http://www.anglicanhistory.org/hooker/3/368-377.pdf>) (PDF). Retrieved 2012-11-11
4. McGrath, Alister. 1998. *Historical Theology: An Introduction to the History of Christian Thought*. Oxford: Blackwell Publishers. pp. 1–8
5. See, e.g. , Daniel L. Migliore, *Faith Seeking Understanding: An Introduction to Christian Theology* (2nd ed.(Grand Rapids: Eerdmans, 2004
6. See, e.g. , Michael S. Kogan, 'Toward a Jewish Theology of Christianity' in *The Journal of Ecumenical Studies* 32.1 (Winter 1995), 89–106; available online at [۱] (<http://www.icjs.org/scholars/kogan.html>) با یگانی شده (<https://web.archive.org/web/20060615100029/http://www.icjs.org/scholars/kogan.html>) در ۱۵ ژوئن ۲۰۰۶ توسط Wayback Machine
7. See, e.g. , David Burrell, *Freedom and Creation in Three Traditions* (Notre Dame: University of Notre Dame Press, 1994
8. See, e.g. , John Shelby Spong, *Why Christianity Must Change or Die* (New York: Harper Collins, 2001
9. See, e.g. , Duncan Dormor et al (eds), *Anglicanism, the Answer to Modernity* (London: Continuum, 2003
10. See, e.g. , Timothy Gorrige, *Crime, Changing Society and the Churches Series* (London:SPCK, 2004
11. See e.g. , Anne Hunt Overzee's gloss upon the view of Ricœur (1913–2005) as to the role and work of 'theologian': "Paul Ricœur speaks of the theologian as a hermeneut, whose task is to interpret the multivalent, rich metaphors arising from the symbolic bases of tradition so that the symbols may 'speak' once again to our existential situation." Anne Hunt Overzee *The body divine: the symbol of the body in the works of Teilhard de Chardin and Rāmānuja*, Cambridge studies in religious traditions 2 (Cambridge: Cambridge University Press, 1992), ISBN 0-521-38516-4, ISBN 978-0-521-38516-9, p.4; Source: [۲] (https://books.google.com/books?id=EiYEktsURVAC&printsec=frontcover&source=gbs_v2_summary_r&cad=0#v=onepage&q=&f=false) ((accessed: Monday 5 April 2010

- دانشکده الهیات مسیحی ([/https://web.archive.org/web/20080207030953/http://222biblecollege.com/start](https://web.archive.org/web/20080207030953/http://222biblecollege.com/start))
- مقالات از الهیات مسیحی (<http://kfam.co.uk/theology>)

پیوند به بیرون

در ویکی‌انبار پرونده‌هایی
دربارهٔ **الهیات** موجود است.



- الهیات (<http://www.hawzah.net/Hawzah/Subjects/Subjects.aspx?id=5>)&4624، وب‌گاه حوزه.

برگرفته از «<https://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=الهیات&oldid=27515598>»

این صفحه آخرین بار در ۲۹ اکتبر ۲۰۱۹ ساعت ۲۱:۲۳ ویرایش شده‌است.

همهٔ نوشته‌ها تحت مجوز Creative Commons Attribution/Share-Alike در دسترس است؛ برای جزئیات بیشتر شرایط استفاده را بخوانید.
ویکی‌پدیا® علامتی تجاری متعلق به سازمان غیرانتفاعی بنیاد ویکی‌مدیا است.

Francis Joseph Steingass

A COMPREHENSIVE PERSIAN-ENGLISH DICTIONARY

Search for term **theology** throughout dictionary

6 results

1) [الهیات](#) (p. 96) a الهیات ilāhīyāt (pl. of the following), Divine things; **theology**; metaphysics; things pertaining to the supernatural.

2) [اهل](#) (p. 125) ...the house, domestics; master (or mistress) of the house; — ahli parhez, Continent, abstinent; — ahli taṣawwuf, Contemplative; an anchorite; a Sufi; — ahli tafsīr, A doctor in **theology**, a commentator on holy writ; — ahli taqwá, Pious, devout; — ahli tamāshāna, The actors in a play (m.c.); — ahli tanjīm, Astrologer; — ahli tawāzu', Submissive...

3) [حقائق](#) (p. 425) حقائق ḥaqā'iq (pl. of ḥaqīqat), Truths; — 'ulūmi ḥaqā'iq, **Theology**.

4) [علم](#) (p. 864) ...of the attributes of God; — 'ilmi ilāhhī, **Theology**; — 'ilmu'l-aktāf, The science of divining by the shoulder-blades of sheep; — 'ilmu'l wujūh, Physiognomy; — 'ilmu'l-handasat, Geometry; — 'ilmu'l-hi'at, Astronomy; — 'ilmi andāza, Geometry; — 'ilmi inshā, Letter-writing; — 'ilmi-āwāz, Acoustics; — 'ilmi bāṭin, Speculative science; — 'ilmi baḥṣ...

5) [فقه](#) (p. 935) A فقه faqh (v.n.), Conquering, beating in a contest respecting law and divinity; — fiqh (v.n.), Knowing, understanding (law and divinity); knowledge, especially of religion and jurisprudence; **theology**; [fighu 's-siyāsat, Science of politics;] — faqih, Learned in law; — faquh, Deeply versed in **theology** and jurisprudence.

6) [كلام](#) (p. 1041) A كلام kalām, A word, speech, oration, harangue; discourse, talk, conversation; a sentence or proposition complete in itself; disputation; scholastic **theology**; metaphysics; combat; a salutation, compliment; [kalāmu 'llāh, The word of God; — kalāmi sharīf ('izzat), The Qur'ān; — kalām kardan, To speak; to reason; to relate; — kalāmi majīd

[Back to the Search Page](#) | [Back to the DDSA Page](#)